



## الزام‌های مدیریتی در شرایط تعدیل اقتصادی

از: دکتر محمد مهدی بهکیش

باتوجه به برنامه‌های اساسی پیش‌روی دولت و اهمیت یاری‌رسانی مدیریت‌ها در اجرای این برنامه‌ها، پیشنهاد ایجاد باشگاه مدیران مطرح شد. سپس «دکتر بهکیش» طی یک سخنرانی اصلی‌ترین برنامه دولت، یعنی سیاست تعدیل را برای حاضران تشریح کرد. وی ابتدا پیرامون سابقه سیاست تعدیل اظهار داشت: «سابقه تعدیل اقتصادی به دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی برمی‌گردد و اصولاً تعدیل مطلب جدیدی نیست. در دهه ۷۰ و ۸۰ سه شوک عمده به‌ویژه به کشورهای درحال توسعه وارد آمد. قیمت کالاهای صادراتی به‌ویژه مواد اولیه به شدت کاهش یافت. در مورد قیمت نفت در دهه ۸۰ ما مشکل داشتیم. نرخ بهره‌های واقعی در این دو دهه افزایش یافت و جریان سرمایه بین‌المللی تقلیل پیدا کرد. این عوامل باعث شد درآمد قابل مصرف کاهش پیدا کند و هزینه استقراض بالا رفته و کمبود منابع خارجی در اقتصاد داخلی کشورهای درحال توسعه زیاد شود. بنابراین کشورهایی به علت کسری بودجه مداوم دچار نرخ‌های تورم شدید شدند.

سیاست تعدیل اقتصادی، هدف بازگشت به تعادل اقتصادی را پیش‌رو دارد. تعدیل به‌عنوان فرآیندی برگشت‌ناپذیر و در راستای ضرورت‌های بین‌المللی و بازسازی اقتصاد ملی به اجرا گذاشته می‌شود. در فرآیند تعدیل، موضوع همه سونگری و هماهنگی در گشایش بازارها اهمیت ویژه‌ای دارد. هر اقدام نسنجیده‌ای روند اجرای سیاست تعدیل را کند و بازگشت به وضعیت گذشته را سبب می‌شود. گشایش ناهماهنگ در واردات، دستکاری نظام اشتغال بدون برقراری بیمه بیکاری و... پی‌آمدی جز کندی روند تعدیل را به‌دنبال نخواهد داشت. بدین ترتیب شرایط جدید تعدیل اقتصادی الزام‌ها و اقتضائات تازه‌ای را پیش‌روی مدیران و مدیریت کشور گذاشته که لازم است مدیران ما به این الزام‌ها وقوف و آگاهی داشته باشند و متناسب با آن برنامه‌ریزی و حرکت کنند.

به گزارش خبرنگار ما، «الزامات مدیریتی در شرایط تعدیل اقتصادی» عنوان سخنرانی دکتر محمد مهدی بهکیش در نشست فارغ‌التحصیلان دوره‌های عالی مدیریت اجرایی و مدیریت استراتژیک بود. که در دهه آخر مهرماه در سازمان مدیریت صنعتی برگزار شد. در این جلسه پیش‌از سخنان «دکتر بهکیش»، «مهندس جعفر مرعشی» طی سخنانی بر اهمیت ارتباط فعال و مناسب و صادفانه بین فارغ‌التحصیلان دوره‌های مدیریت تاکید کرد و آمادگی سازمان مدیریت صنعتی برای ایجاد بستری جهت تبادل اطلاعات را اعلام داشت. در این جلسه از سوی مدیران شرکت‌کننده

کشورهایی که در دهه ۷۰ با استقراض شدید - مثل کشورهای امریکای جنوبی - روبه‌رو بودند، دهه ۸۰ را با این بار سنگین شروع کردند. این کشورها که بخش وسیعی از کشورهای جهان سوم را در دهه ۷۰ و ۸۰ در برمی‌گیرد، مجبور بودند به یک نوع تعدیل اقتصادی دست بزنند تا اینکه خودشان را دوباره در بازارهای بین‌المللی مطرح کنند. بنابراین مساله تعدیل در این دو دهه شکل گرفت و سرانجام صندوق بین‌المللی پول پا به میدان گذاشت و در سال ۱۹۸۶ صندوق جدیدی (SAF) را بوجود آورد. از آن زمان صندوق بین‌المللی پول شروع به تامین هزینه برای تعدیل اقتصادی کرد و اعلام نمود که رشد اقتصادی و تعدیل اقتصادی لازم و ملزوم یکدیگرند. از آن زمان صندوق بین‌المللی پول که وظیفه اصلی‌اش کمک به ایجاد تراز در مبادلات بازرگانی کشورهاست به شدت در عرصه تعدیل اقتصادی فعال شد. بنابراین ما باید تعدیل را به‌صورت یک فرآیند عمومی کشورهای درحال توسعه در نظر بگیریم و نه چیز دیگر.

### تعدیل، بازگشت به تعادل

«دکتر بهکیش» در ادامه اظهاراتش پیرامون نقشی که اجرای سیاست تعدیل در بازگشت به

\* هدف عمده تعدیل اقتصادی، تقویت تراز پرداخت‌ها است.

\* تعدیل بر دو پایه منابع در دسترس و میزان کارایی منابع استوار است.

تعادل اقتصادی، ایفا می‌کند اظهار داشت: «این را ما هم پذیرفته‌ایم که «تعديل» که بعضی وقت‌ها معادل «آزادسازی» هم بکار گرفته می‌شود، هم‌اکنون لازمه رشد اقتصادی است. اگر بخواهیم تعديل را تعريف کنیم، تعديل در لغت فارسی معتدل کردن، به حد وسط رساندن و تقسیم عادلانه کردن است. ولی در تعبیر اقتصادی به معنای ایجاد تعادل کلی در بازارهای کالا و سرمایه است. بازارهای بسیار متفاوتی در اقتصاد تعريف می‌شود.

بنابراین تعديل اقتصادی یعنی اینکه اگر ما از این نقطه تعادل خارج شدیم، قطعاً در یک سری از بازارها در عدم توازن هستیم که بلافاصله روی سایر بازارها هم اثر گذاشته و کل سیستم را از تعادل خارج می‌کند. برای اینکه به آن نقطه تعادل برگردیم و یا به تعادل دیگری برسیم، ما به فرآیند تعديل احتیاج داریم. بنابراین تعديل پدیده‌ای نو نیست. تعديل بازگشت به تعادل است. البته اتفاقی که در دهه ۷۰ و ۸۰ افتاده این است که برای تعديل یک ادبیات جدید به وجود آمده است که صندوق بین‌المللی پول خیلی به این مساله کمک کرده است و حالا ما ادبیات جدیدی در این زمینه داریم.

### تعديل و هدف‌های رویارو

سخنران در ادامه، هدف‌های سیاست تعديل را به این صورت تشریح کرد: «هدف عمده تعديل اقتصادی، تقویت تراز پرداخت‌ها است. تراز پرداخت‌ها شاخص مهمی در تثبیت قیمت‌ها و رشد مناسب و پایدار اقتصادی است. تعديل بر دو پایه «منابع در دسترس» و «میزان کارایی» که این منابع می‌توانند ایجاد کنند»، استوار است. بنابراین در برنامه تعديل از یک طرف جمع‌آوری هرچه بیشتر منابع و از طرف دیگر به کارگیری هرچه بهتر آنها مورد نظر است.

در تعديل وظیفه ما تراز کردن تقاضای کل با ظرفیت تولیدی است. تقاضای کل، تقاضای مجموع کالا و خدمات برای مصرف، سرمایه‌گذاری و سایر موارد است. تقاضای کل در تعديل اقتصادی بسیار نقش دارد. برای اینکه ما وارد فرآیند تعديل شویم، باید یکسری سیاست‌ها را به کار بگیریم. این سیاست‌ها شامل، سیاست‌های مالی که هزینه و درآمد بخش عمومی را تشکیل می‌دهد مثل بودجه و مالیات، سیاست‌های پولی که کنترل نرخ گسترش پول و اعتبار را معین می‌کند و سیاست تنظیم وجوه

خارجی است که حساب‌های خارجی یعنی همان تراز پرداخت‌ها را تنظیم می‌کند. ارتباط بین این بازارها و این پارامترها را اگر به صورت یک کل در نظر بگیریم، فرآیند تعديل را برای هر مکان و هر کشوری می‌توانیم تعريف کنیم. اصولاً اگر در فرآیند تعديل بخشی را نگاه کردید و یکی از بازارها را در نظر داشتید، یکسری پارامترها را نگاه کرده و دیگر پارامترها را مورد توجه قرار نخواهید داد. همچنان که اکثر همین‌طور است، از جمله در اقتصاد خودمان، فرآیند تعديل نمی‌تواند اتفاق بیفتد.

### زمانبندی تعديل

«دکتر بهکیش» پیرامون زمانبندی برای اجرای سیاست تعديل اظهار داشت: «در مورد زمانبندی و اینکه اقدامات تعديل را از کجا شروع کنیم، بحث‌های متفاوتی به‌ویژه در ادبیات صندوق بین‌المللی پول مطرح است و در این زمینه الگوی مشخصی ارائه نشده و نمی‌تواند هم ارائه شود. یعنی این سوال مطرح است که آزاد سازی را از بازار سرمایه، از تجارت، صنعت و یا از قیمت‌ها شروع کنیم؟ اما مجموعه سیاست‌هایی را که حداقل باید در نظر بگیریم. اصلاح نرخ ارز، سیاست‌های پولی از جمله اصلاح نرخ سود بانک‌ها، سیاست‌های مالیاتی، تصحیح ساختار بودجه، آزادسازی مقررات، حساب تجارت



**\* چگونگی انتخاب تکنولوژی، خرید مواد اولیه و انبار کردن آن و گزینش بازار بایستی بازبینی شود.**  
**\* سابقه تعديل اقتصادی به دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی برمی‌گردد و اصولاً تعديل مطلب جدیدی نیست.**

(خرید و فروش مملکت با خارج) و حساب سرمایه (رفت و برگشت سرمایه از و به مملکت)، کاهش حجم دولت، خصوصی‌سازی و یکسری پارامترها یا بخش‌های دیگر از اقتصاد که باید در اقدامات تعديل مورد توجه قرار گیرند.

صندوق بین‌المللی پول چند نکته را در ادبیات خودش مورد اشاره قرار می‌دهد و در جهت نفی قضیه مطرح می‌کند و آن کارهایی است که در واقع نباید آنها را انجام دهیم. مثلاً می‌گوید، حساب سرمایه نباید قبل از آزادسازی بخش مالی داخلی باز شود. در جاهای دیگر این کار را کردند و بسیار زیان هم دیدند. آزادسازی حساب سرمایه یعنی اینکه شما رفت و برگشت سرمایه از کشور را آزاد کنید.

هر کس بتواند از کشور پول بیرون ببرد یا وارد کنند. البته در نهایت حساب سرمایه باید باز شود و آن، زمانی است که کل فرآیند تعديل اتفاق می‌افتد. اما تا زمانی که بازار مالی در داخل کشور آزادسازی نشده و در نتیجه نرخ بهره یا سود در جایگاه واقعی خودش قرار نگرفته باشد، حساب سرمایه را اگر باز کنیم به فرار سرمایه منجر می‌شود. صندوق بین‌المللی پول می‌گوید: حساب سرمایه نباید قبل از آزادسازی حساب تجارت باز شود. حساب تجارت به معنای خرید و فروش یعنی صادرات و واردات است. ما الان حساب تجارت را به هیچ‌وجه نتوانسته‌ایم آزاد کنیم. ما الان محدودیت‌های بسیاری داریم و هر کس هر چیزی را نمی‌تواند وارد کند. اما البته در مورد صادرات کمی باز هستیم. بنابراین حساب سرمایه را ما نباید قبل از حساب تجارت باز کنیم. یک سری دستورالعمل‌ها را صندوق بین‌المللی پول براساس تجارب گذشته جمع‌آوری کرده است که خیلی خوب است مسئولان اقتصادی ما این تجربه‌ها را مورد استفاده قرار دهند. گو اینکه ما چند ماه پیش مقداری حساب سرمایه را باز کردیم. (مساله پنج هزار دلارها و اینکه اعلام کردند هر کس می‌خواهد پولی را خارج کند می‌تواند حداقل درخواست آن را بکند). این روند باز کردن حساب سرمایه است. قبل از اینکه ما حساب‌های دیگر خودمان و یا بازار مالی خودمان را آزادسازی کرده باشیم. مثالی در مورد شیلی می‌توان زد زیرا این کشور مورد بسیار جالبی در برنامه‌های تعديل است. شیلی دوبار خصوصی‌سازی کرد. یکبار همه کارخانه‌ها را فروخت ولی چون سیستم مالی، آزادسازی نشده و سایر بازارها درست تعديل نشده بود، در نتیجه



همه کارخانه‌ها ورشکست شدند و همه را به دولت برگرداندند و دوباره این کشور اقدام به خصوصی‌سازی کرد. این اتفاق در برخی کشورهای دیگر از جمله آرژانتین هم روی داده است.

اگر ما در مورد آزادسازی بازارها یا در طراحی فرایند تعدیل دقت نداشته و زمانبندی مناسب را انتخاب نکنیم قطعاً با مشکلات زیادی مواجه می‌شویم. مثال خیلی روشن آن، مملکت خودمان است. ما طی دو سال گذشته آزادسازی کردیم و آلمان مقداری مجبور به بازگشت شدیم.

حساب تجارت را باز کردیم. اما داریم می‌بینیم. حساب سرمایه را مقداری باز کردیم، و حالا داریم می‌بینیم. نظام مالی را یک مقدار آزادی‌سازی کردیم داریم آن را می‌بینیم. این‌ها همه دوباره در جهت محدودیت است. زیرا هماهنگی و زمانبندی درستی برای کل نظام تعدیل نداشتیم.

### در تکاپوی ریشه‌های عدم تعادل

«دکتر بهکیش» در ادامه پیرامون ریشه‌های عدم تعادل اقتصادی در کشورمان اظهار داشت: «مساله تعدیل اقتصادی در ایران به این شکل است که بعد از سال ۱۳۵۰ درآمدهای بسیار زیاد نفت، گسترش تقاضای جامعه را بوجود آورد. پول بسیار زیاد در اقتصاد تقاضای خیلی متورمی را ایجاد کرد. نتیجه آن، فشارهای تورمی بسیار زیاد و به دنبال آن کسری بودجه است. در نتیجه ارز فراوان و ارزان و نیز امکانات ارزان، خیلی از واحدها بوجود آمد که عدم کارایی کنونی آنها ناشی از نحوه شکل‌گیری‌شان در آن زمان است. به علت ریال گران و ارز ارزان تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در مسیری قرار گرفت که احتمالاً در برخی از آنها مزیت اقتصادی نداریم. یعنی اینکه قیمت تمام شده کالا در آن واحدها گران‌تر از جای دیگری که مزیت اقتصادی دارد، شد. با آن دیوارهای حمایتی که در دهه ۵۰ بوجود آمد و امکانات ارزانی که در اختیار اقتصاد قرار گرفت ما با یک تورم بسیار زیاد سرمایه در دولت مواجه شدیم. بنابراین دولتی شدن بعد از انقلاب شروع نشد دولتی شدن و تمرکز در دولت پیدا کردن از دهه ۵۰ شروع شد، منتها سیاست‌های بعد از انقلاب و جنگ هم کمک کرد و این تمرکز بسیار بیشتر شد. ما برنامه تعدیل را از برنامه اول یعنی سال ۱۳۶۸ شروع کردیم. در برنامه تعدیل، مسئولان چند چیز را مورد نظر قرار دادند:

به درستی انجام نگرفت و مقداری از بار دیون خارجی فعلی، ناشی از همین جا است. وقتی کل تعدیل دارای یک برنامه به هم پیوسته و منسجم نباشد یک بخش انجام و بخش دیگر باقی می‌ماند.

بنابراین ما در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ نرخ رشد بالایی به میزان ۱۰ درصد و ۱۲ درصد داشتیم و این به خاطر ظرفیت خالی کارخانه‌ها و تزریق منابع مالی بود. این رقم در سال ۱۳۷۱ - ۶ درصد رسیده است و براساس پیش‌بینی منابع خارجی، نرخ رشد ما در سال ۱۳۷۲ معادل ۳ درصد و در سال ۱۳۷۳ معادل ۲/۵ درصد خواهد بود که فکر می‌کنم این پیش‌بینی درست باشد.»

دکتر بهکیش در ادامه گفت: رشد قیمت‌ها با توجه به تعدیلی که کرده‌ایم خیلی زیاد نبوده است. رشد قیمت‌ها براساس آمار بانک مرکزی در سال ۱۳۷۰ نزدیک به ۲۰ درصد، در سال ۱۳۷۱ حدود ۲۳ درصد و در سال ۱۳۷۲ پیش‌بینی می‌شود حداقل ۳۰ درصد باشد. از نظر رابطه بین رشد حجم پول و افزایش قیمت‌ها باید گفت که در سال ۱۳۷۱ حجم پول ۲۵ درصد افزایش یافت و امسال اگر اتفاق خاصی به وقوع نپیوندد، حجم پول حدود ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت.

صادرات ما در سال ۱۳۷۰ معادل ۱۸ میلیارد دلار و در سال ۱۳۷۱ معادل ۱۸ میلیارد دلار بوده است و واردات سال ۱۳۷۰ معادل ۲۸ میلیارد دلار و در سال ۱۳۷۱ نیز معادل ۲۸ میلیارد دلار بوده است. کسانی که به دنبال علت شکل‌گیری بدهی‌های خارجی کشور می‌گردند، می‌توانند آن را همین جا پیدا کنند.

اگر تفاوت صادرات و واردات یعنی بخش عمده‌ای از حساب جاری را نگاه کنیم می‌بینیم حداقل ۱۰ میلیارد دلار تفاوت واردات و صادرات

\* حساب سرمایه نباید قبل از آزادسازی بخش مالی داخلی باز شود زیرا به فرار سرمایه منجر می‌شود.

\* در چند سال اخیر سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی اصلاً حرکت نکرده است.

آزادسازی تجارت، تعدیل نرخ ارز، تصحیح ساختار قیمت‌ها، حذف سوبسیدها، خصوصی‌سازی و کاهش اندازه دولت.

### نگاهی به آمارها و ضرورت تعدیل

آمارهای موجود، نشانگر عدم تعادل اقتصادی در کشورمان است. «دکتر بهکیش» در این مورد اظهار داشت: «تولید ناخالص داخلی ما در سال ۱۳۷۰ معادل ۴۷ هزار میلیارد ریال و در سال ۱۳۷۱ معادل ۶۶ هزار میلیارد ریال و در سال جاری حدود ۹۰ هزار میلیارد ریال پیش‌بینی شده است. رشد واقعی ما در سال ۱۳۶۹ معادل ۱۲ درصد در سال ۱۳۷۰ نزدیک ۱۰ درصد و در سال ۱۳۷۱ معادل ۶ درصد بوده و هم اکنون روبه کاهش است.» دکتر بهکیش سپس افزود: «مابعد از شروع برنامه تعدیل تصمیم گرفتیم که براساس برنامه از منابع مالی دنیا استفاده کرده و به ویژه این منابع را به صنعت تزریق کنیم. با این حساب که بعد از اجرای برنامه‌های دیگر تعدیل، صنعت ما صادرکننده می‌شود و در نتیجه مقداری از این منابع مالی برگشت پیدا می‌کند در حالیکه قسمت اول این برنامه اجرا شد. اما قسمت دوم آن

ما است به همین دلیل تراز حساب جاری ما در سال ۷۰ منهای ۱۳ میلیارد دلار و در سال ۷۱ منهای ۱۳/۱ میلیارد دلار است. حساب تجاری ما منفی است در حالیکه یکی از عوامل تعدیل اقتصادی به تراز رساندن تراز پرداخت‌ها است ولی ما به شدت داریم منفی می‌شویم. براساس پیش‌بینی منابع خارجی امسال حساب تجارت ما منهای ۷ میلیارد دلار و سال آینده منهای ۵ میلیارد دلار است. بدهی کشور توسط برخی تشریحات خارجی ۳۰ میلیارد دلار اعلام شده است و فکر می‌کنم در مصاحبه یکی از مسئولان هم این مبلغ تأیید شد. البته این بدهی با اعتبارات اسنادی که الان گشایش پیدا کرده و زمان پرداخت آن به سررسیده و پرداخت نشده فرق می‌کند. رقم این بدهی زیر ۲۰ میلیارد دلار است. اما وقتی صحبت بدهی می‌کنیم منظور مجموعه بدهی‌های کوتاه مدت و بلند مدت است. البته در برنامه اجازه داده شده بود که مقداری از منابع خارجی استفاده کنیم.

دکتر بهکیش اضافه کرد: نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی یک شاخص مهم است. زیرا نشان دهنده این است که چند درصد از تولید ناخالص داخلی را سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. در سال ۱۳۶۱ به میزان ۱۷/۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. در سال ۱۳۶۲ معادل ۲۲ درصد، سال ۱۳۶۳ معادل ۲۲ درصد، سال ۱۳۶۴ معادل ۱۸/۵ درصد، سال ۱۳۶۵ معادل ۱۶/۷ درصد، سال ۱۳۶۶ معادل ۱۳/۶ درصد، سال ۱۳۶۷ معادل ۱۲/۴ درصد، سال ۱۳۶۸ معادل ۱۲/۸ درصد، سال ۱۳۶۹ معادل ۱۲/۹ درصد و در سال ۱۳۷۰ معادل ۱۳/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. بنابراین در طی این دهه ما حجم کمتری از درآمد خودمان را سرمایه‌گذاری کرده‌ایم پس رشد از کجا می‌خواهد بیاید؟

دکتر بهکیش در این زمینه افزود: اگر بخواهیم حدود ۶ درصد رشد داشته باشیم باید حدود ۱۸ تا ۲۰ درصد از درآمد ناخالص داخلی خودمان را سرمایه‌گذاری کنیم. حال که حدود ۱۲ تا ۱۳ درصد از تولید ناخالص ملی خودمان را سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، پس چه رشدی خواهیم داشت؟ پاسخ معادل ۴ درصد است. پیش‌بینی منابع خارجی برای سال ۷۲ حدود ۳ درصد است و به نظر من بین ۳ تا ۴ درصد خواهد بود.

با نگاهی به بودجه، نکات جالبی خواهیم یافت. پروسه تعدیل دارد کل ساختار بودجه را به هم می‌ریزد. در سال ۱۳۷۰ معادل ۱۱/۵ درصد

بودجه از محل درآمدهای نفتی بوده است. همه قدرت خرید از نفت بود اما در بودجه بخاطر نرخ هفت تومانی دلار چنین نشان نمی‌داد. در سال ۱۳۷۱ به علت دو نرخ شدن ارز معادل ۴۱ درصد از بودجه از محل نفت و در سال ۱۳۷۲ که عملاً ارز صد تومانی در بودجه محاسبه شده است، معادل ۶۱/۳ درصد بودجه از محل درآمدهای نفتی بوده است. یعنی عملاً تمام تقاضای کلی که در اقتصاد بوجود می‌آید از محل نفت است که این، مشکلات بزرگی را ایجاد می‌کند. اگر اقتصاد درست کار می‌کرد و درآمد از بخشی از اقتصاد گرفته می‌شد و دوباره از طرف دولت هزینه می‌شد، تقاضای کل را این طور متورم نمی‌کرد.

این تقاضای کل وقتی متورم شود به همراه خود مشکلات را می‌آورد. البته این ۶۱ درصد هم رقم واقعی نیست زیرا نرخ موثر ارز ما هنوز وارد محاسبه نشده است. یک بحث مهم وجود دارد که نرخ موثر ارز ما چقدر است، اما قطعاً بیشتر از صد تومان است. بنابراین درصد عمده‌ای از بودجه ما از محل نفت تأمین می‌شود.

در مورد مالیات مشخص شد که ۲۱ درصد بودجه از محل مالیات تأمین می‌شود. این ساختار بودجه یک وضعیت خاص برای برنامه تعدیل بودجه می‌آورد. بودجه عمومی ۲۳ هزار میلیارد ریال و کل بودجه ۵۴ هزار میلیارد ریال است. اگر آن را با رقم حدود ۹۰ هزار میلیارد ریال درآمد ناخالص داخلی مقایسه کنیم، معلوم می‌شود که این اقتصاد، دولتی است. ۶۰ درصد درآمد کشور دست دولت است. در اقتصادهای باز این درصد خیلی پایین آمده و بین ۲۰ تا ۲۵ درصد است. در اینجا ۶۰ درصد از درآمد مملکت در اختیار دولت است بنابراین مساله تعدیل خیلی جدی است.

امسال ۵۵ درصد از هزینه‌های دولت، جاری، ۳۸ درصد عمرانی و بقیه مربوط به اختصاصی است. اگر این‌ها درست عمل شود خواهید دید که در مملکت ما بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری از طرف دولت انجام می‌شود. در چند سال اخیر یکی از مشکلات این است که سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی اصلاً حرکت نکرده است. دولت نیز کم‌کم سرمایه‌گذاری خود را کاهش می‌دهد.

از ارقام داخلی که بگذریم، می‌توانیم وضعیت مملکت را با کشورهای هم‌جوار مقایسه کنیم. آخرین رقم درآمد سرانه ایران به ریال، ۱۵۰ هزار تومان است. چون تولید ناخالص داخلی معادل ۹۰ هزار میلیارد ریال است. بنابراین درآمد سرانه

ما بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ دلار است. براساس گزارش منابع خارجی درآمد سرانه ایران ۱۱۰۰ دلار، عربستان سعودی ۷ هزار دلار، عراق ۳۵۰۰ دلار، الجزایر ۲ هزار دلار، امارات متحده عربی ۱۸ هزار دلار، مصر ۸۰۰ دلار، سوریه ۲۵۰۰ دلار، لیبی ۶ هزار دلار، کویت ۱۱ هزار دلار، قطر ۱۵ هزار دلار، اردن ۱۳۵۰ دلار و بحرین ۷۵۰۰ دلار است.

بنابراین با توجه به وضعیت سرمایه‌گذاری و مقایسه‌هایی که ارائه شد آنچه بسیار ضروری است، مساله تعدیل اقتصادی است. آنچه فشار می‌آورد، عدم کارایی اقتصادی است. بنابراین در مورد ضرورت تعدیل باید گفت، علاوه بر اینکه در یک روند بین‌المللی قرار گرفته‌ایم و چاره‌ای جز این نداریم، در حیطه داخلی نیز برای اینکه کارایی از منابع داشته باشیم، باید دست به تعدیل بزنیم و این مساله تعدیل برای ما بسیار حیاتی است، اگر بخواهیم کودکان ما فردای بهتری داشته باشند.

### بازتاب تعدیل در برنامه‌های توسعه

«دکتر بهکیش» آنگاه به تشریح تدابیر اتخاذ شده در برنامه توسعه اقتصادی کشور در راستای اجرای سیاست تعدیل پرداخت و گفت: «اگر به موضوع تعدیل در برنامه اول نگاه کنیم، خواهیم دید که پیش‌بینی‌های وسیعی شده که خیلی از آنها انجام نشده است. از جمله این سیاست‌ها، شناور کردن نرخ ارز، آزادسازی تجاری، آزادسازی نسبی حساب سرمایه، صدور مجوز برای فعالیت صرافی‌ها، تعدیل دستمزدها تا حدی انجام گرفته، تعدیل نرخ اعتبارات بانکی که صورت گرفته، تعدیل مقداری از قیمت کالاهای اساسی مثل آب و برق است. که همه اینها باید انجام گیرد. مساله توزیع درآمد که عموماً به حق خیلی نگرانی در جامعه ایجاد کرده، بازتابی از همان عدم هماهنگی است. مساله نداشتن یک برنامه منسجم است و گرنه همه اینها باید با همدیگر هماهنگ باشد.

وقتی شما نرخ ارز را ۲۰ برابر می‌کنید، بازارها به کل از تعادل خارج می‌شوند. برای اینکه به تعادل برگردیم و یا به یک نقطه تعادل جدید برسیم تعدیل باید در کل بازارها صورت گیرد. شما نمی‌توانید یک سری بازارها را نگه داشته و در یکسری بازارها نرخ ارز را یکبار ۲۰ برابر کنید.

مساله دیگر، خصوصی‌سازی است. در مورد عملکرد سه ساله برنامه اول یکسری قضاوت وجود دارد. از سوی سازمان برنامه و بودجه عملکرد سال‌های ۶۸، ۶۹، ۷۰ برنامه اول منتشر شده است. براساس این گزارش، در



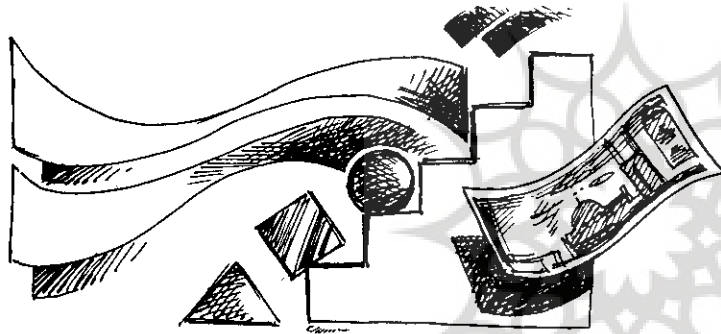
خصوصی سازی موفق نبوده ایم و ارقام هم می گوید موفقیت نداشته ایم. به علت عدم هماهنگی آنچه در برنامه پیش بینی شده بود و یا آن رقم هایی که شاید به نادرست در بودجه پیش بینی شده بود که باید به حساب خزانه ریخته می شد، اصلاً اتفاق نیفتاد. ما با عدم تعدیل در مقررات کار روبه رو هستیم. مقررات کار برای یک اقتصاد آزاد نوشته نشده است. البته هیچکس نمی گوید از کارگر نباید حمایت کرد اما این قانون که مشکل عمده ای فراهم کرده است از نظر خود کارگران نیز مفید نیست. این قانون فقط به نفع عده ای از نیروی کار است که الان در سیستم هستند و کار نمی کنند. اما آنهایی که بخواهند در سیستم کار کنند قطعاً به این حداقل حقوق راضی نیستند و حتماً قابلیت درآمد بیشتر را دارند.

این روزها تمام کسانی که قصد سرمایه گذاری دارند، می پرسند که چگونه سازماندهی کنیم که با حداقل کارگر کار خودمان را انجام دهیم که این به معنای استفاده از اتوماسیون بیش از نیاز در کشور است که به خروج ارز، عدم اشتغال و بالا رفتن هزینه تمام شده خواهد انجامید. ما تا نتوانیم این بازار را آزادسازی کنیم، شما به عنوان مدیر در درون واحدهای خودتان امکانات در اختیار نخواهید داشت که از کارگر کار بگیرید و حقش را به او بدهید. اما در مقابل دولت موظف به برقراری بیمه بیکاری است. هر کارگری را که مدیر صلاح ندید و عذرش را خواست باید از یک جایی مورد پشتیبانی اجتماعی قرار گیرد. این ها در دنیا الگو دارد. بیمه بیکاری وجود دارد و زمانی که کارگر از واحد خارج شد، تحت پوشش بیمه بیکاری قرار می گیرد. مدت ۹ ماه به او فرصت می دهند، برایش کلاس می گذارند تا آموزش ببیند و خود را بازسازی کند. سیستم کارایی او را برای پیدا کردن کار، کمک می کند. تا این اتفاق نیفتد و سرمایه گذاری را نتوانیم رشد بدهیم و واحدها مجبور شوند مثل چند سال اخیر این بار سنگین را بکشند، ما نمی توانیم قیمت تمام شده مناسبی برای رقابت در بازار داشته باشیم. در برنامه پیش بینی شده بود که سیاست های پولی انقباضی داشته باشیم اما درست برعکس، سیاست های پولی انبساطی پیدا کردیم. مخارج دولت بیش از آنچه در برنامه پیش بینی شده بود افزایش یافته و تقاضای کل را متورم کرده است. کسر بودجه را به صفر رسانده ایم اما از آن طرف بدهی های بخش خصوصی را افزایش داده ایم. یک نوع جایگزینی صورت گرفته است.

## بخش های ناموفق

بخش های ناموفق که براساس گزارش رسمی سازمان برنامه و بودجه راجع به سه ساله اول برنامه اول است بدین قرار است: در مورد بخش ساختمان در برنامه پیش بینی شده بود که سالانه ۱۸/۹ درصد رشد کند در حالیکه ۳/۲ درصد رشد کرده است. رشد سرمایه گذاری ناخالص که قرار بود ۱۹/۷ درصد باشد به میزان ۱۰/۶ درصد بوده است. رشد سرمایه گذاری غیردولتی که قرار بود ۱۸/۲ درصد باشد ۸ درصد بوده است. رشد سرمایه گذاری بخش دولتی که بنا بود ۲۱/۵ درصد باشد ۱۴ درصد شده است. نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی بنا بود ۱۹/۳ درصد باشد

باید بازار مالی در داخل باز شده، آزاد شده و به تعادل برسد. یکی از مشکلات، نرخ سود است. زیرا متعادل کننده عرضه و تقاضا است. هم اکنون در بانک ها نرخ های متفاوت داریم. این نرخ های متفاوت نمی تواند بازار را به تعادل برساند. باید یک نرخ باشد. اگر دولت بخواهد به بخش کشاورزی سوبسید بدهد و بانک نرخش مثلاً ۱۵ درصد است، کشاورز می تواند ۶ درصد داده و ۹ درصد بقیه را دولت به بانک پرداخت کند. آنوقت است که می توانید بانک را مجبور سازید تراز مثبت داشته باشد. در بازار سرمایه یکسری تصمیمات خوب گرفته شده است که اوراق قرضه منتشر شود و بازار سرمایه گسترش پیدا کند. از



سرمایه گذاری خارجی در برنامه دوم استقبال و پشتیبانی کافی شده است. در مورد مدیریت شرکت های دولتی، تجدید نظر در نظام مدیریت شرکت های دولتی و تغییر روش موجود در سیاست گذاری و نظارت بر شرکت ها از طریق مجامع عمومی و شورای عالی و به وجود آوردن امکان کنترل دقیق تر بر عملکرد شرکت های دولتی در نظر گرفته شده است. این موارد به نظر من مثبت است زیرا در این صورت شرکت دولتی با ارکان خودش کار می کند.

دکتر بهکیش گفت: در مورد قیمت گذاری که یکی از عوامل مهم است در برنامه دوم پیش بینی شده که قیمت ها بتوانند شاخص خود را عمل کنند. بنابراین آزادسازی قیمت را به صورت کامل به جز آب و برق پیش بینی کرده است که آن هم در برنامه منعکس است که تا آخر دوره برنامه دوم باید هزینه های آب و برق و دیگر تسهیلات به قیمت تمام شده خودش برسد. حالا اگر آن سیستم کارا نیست و قیمت تمام شده بالا دارد، بیچاره آن صنعتی که می خواهد از این تسهیلات

که ۱۲/۷ درصد بوده است. رشد هزینه های مصرفی خصوصی می بایست ۴/۶ درصد رشد کند که ۹/۵ درصد رشد پیدا کرده است. رشد نقدینگی می بایست ۱۰/۶ درصد رشد کند که ۱۹ درصد رشد یافته است.

## پیش بینی های برنامه

در برنامه دوم اقتصاد، بسیار آزاد در نظر گرفته شده و در نوشته بسیار خوب است. نظام ارزی، نظام شناور مدیریت شده، لغو پیمان ارزی، قابلیت تبدیل کامل اسعار داخلی و خارجی و اینکه محدودیت واردات نباشد، به جز در مورد کالاهایی که ورود آنها را قانون منع کرده و یا غیرشرعی باشد و این به معنای باز شدن حساب جاری است. در مورد گمرک، حقوق گمرکی، سود بازرگانی، حق ثبت سفارش یک جا می شود. در برنامه بر صادرات بسیار تاکید شده که بسیار خوب است که انشاء الله عمل شود. اما باید دید ابزارهای آن چیست. در برنامه از مناطق آزاد پشتیبانی زیادی شده است. قبل از اینکه تمام حساب ها باز شود،

استفاده کند.

در مورد سرمایه‌گذاری صنعتی، نکته بسیار مهمی که در برنامه وجود دارد این است که سرمایه‌گذاری به سمت مزیت‌های اقتصادی برود. وزارتخانه‌های صنعتی باید راه را باز کرده و هدایت کنند. و نشان بدهند که اصلاً در کجا و کدام زمینه‌ها مزیت داریم. این کار را یک نفر نمی‌تواند انجام دهد. این کار وزارتخانه‌های صنعتی است. این بحث مطرح است اما متأسفانه وزارتخانه‌های صنعتی ما در این زمینه تا آنجا که من اطلاع دارم قدمی برنداشته‌اند.

در مورد اشتغال و کاهش نیروی کار خارجی اگر ما بخواهیم تکنولوژی را انتقال بدهیم و سرمایه‌گذار بیاوریم باید گفت که انتقال تکنولوژی که ماشین‌الات نیست بلکه باید مهندس‌ها بیایند و کنار هم کار کنند تا تکنولوژی منتقل شود.

## سیاست تعدیل و رهنمودهای مدیریتی

اجرای سیاست تعدیل، راه و روش‌های نوینی را در برابر مدیران می‌گشاید، «دکتر بهکیش» در این مورد دیدگاه‌های خود را چنین تشریح کرد: «قطعاً باید قبول کرد که سیاست تعدیل یک راه برگشت‌ناپذیر است. ممکن است پستی و بلندی و رفت و برگشت داشته باشیم، اما راه تعدیل برگشت‌ناپذیر است. حتی اگر نخواهیم، مجبور به اجرای سیاست تعدیل هستیم، که البته می‌خواهیم و این را برنامه هم نشان می‌دهد.

● باید قبول کنیم که واحد غیر کارآ سرانجام با مشکل جدی روبه‌رو خواهد شد.

● باید سیاست‌های تعدیل را درونی کنیم. شرایط درونی هر بنگاه تا حدی در دست ماست و شرایط بیرونی اصلاً در اختیار ما نیست. در مورد شرایط درونی، مدیریت باید تصحیح شود. چگونگی انتخاب تکنولوژی، خرید مواد اولیه و انبار کردن آن و گزینش بازار بایستی بازبینی شود.

● ما در فرهنگ صنعتی و فرهنگ شرکت‌های اقتصادی خودمان اصولاً مدیریت مالی نداریم زیرا احتیاجی به آن نبوده است، هر وقت بانک مرکزی پول می‌داد حرکت می‌کردیم و اگر نمی‌داد از حرکت بازمی‌ایستادیم. ما مدیریت مالی نداریم بلکه حسابدار داریم. توصیه می‌کنم، بخش مدیریت مالی را تقویت و تجهیز کنیم. مدیریت مالی در کشورهایی که در اقتصاد بازار کار می‌کنند، نقش مهمی دارد.

● بسیاری از خط‌های تولیدی ما باید عوض شود. این خط‌های تولید در زمان ارز ارزان و ریال

## \* ما باید تعدیل را به صورت یک فرآیند عمومی کشورهای در حال توسعه در نظر بگیریم. \* ما پذیرفته‌ایم که هم اکنون تعدیل و رشد اقتصادی لازم و ملزوم رشد اقتصادی است.

گران ایجاد شده است و چون در آن هنگام در نقطه تعادل نبوده‌ایم، تصمیم‌گیری ما برای ایجاد خط تولید در زمان اختلال بوده است. با تغییر نرخ ارز، بسیاری از واحدها غیراقتصادی شده‌اند. ما زیرساخت‌های متعددی داریم. این واحدها با یک تغییر کوچک و یا بزرگ ممکن است اقتصادی شود و یا احتمال دارد مجبور شویم برخی واحدها را تعطیل کنیم و این به نفع اقتصاد ما باشد. در شرق آلمان از این حجم عظیم صنعت برخی واحدها را تعطیل کرده‌اند، پیچ و مهره را باز کرده‌اند و از زمین آن استفاده می‌کنند. اما بسیاری از واحدها را بازسازی کرده‌اند و دارند از آنها استفاده می‌کنند. اما این به مطالعه و سرمایه‌گذاری احتیاج دارد. به یک سری رهنمودها از طرف وزارتخانه‌های صنعتی نیاز دارد که متأسفانه این کار انجام نگرفته است.

● مقررات بیرونی، میزان حمایت، مقررات حاکم، رشد جامعه، شرایط بین‌المللی و دیگر عوامل به شدت بر عملکرد ما تاثیر دارند. جهت‌گیری‌ها دارد روشن می‌شود، ولی متأسفانه گرفتاری هم بسیار داریم. بنابراین تشکل‌های حرفه‌ای باید فعال شود تا بتوانیم دولت را هدایت و به مسئولان کمک کنیم. تشکل‌های حرفه‌ای باید سیاست‌گذار را یاری کنند.

● مسیر تربیت نیروی انسانی باید تغییر کند. نیروی انسانی که دانشگاه تربیت می‌کند اگر مشکل شما را حل نکند به چه درد می‌خورد؟

## نمونه‌ای موفق از تعدیل

«دکتر بهکیش» در آخرین بخش از سخنان خود به تشریح یک نمونه موفق از اجرای سیاست تعدیل پرداخت و گفت: من ذوب آهن اصفهان را

به عنوان نمونه در نظر گرفته‌ام. ذوب آهن مثال خوبی است. قطعاً تنها مورد و قطعاً بهترین مورد هم نیست. ذوب آهن که دارای تکنولوژی بسیار عقب افتاده‌ای است در سال ۵۱ با ظرفیت ۵۵۰ هزار تن شروع به کار کرد و قرار بود در سال ۵۷ ظرفیتش به یک میلیون و ۹۰۰ هزار تن برسد که این میزان تحقق نیافت. در سال ۶۲ این رقم ۸۰۰ هزار تن و در سال ۶۸ ظرفیتش به یک میلیون تن رسید. از سال ۶۸ مدیریت جدید آن بسیار خوب کار کرده است که البته یک مجمع بوده و تنها مدیر نیست که آنجاست بلکه یک مجموعه است که می‌تواند این حرکت را ایجاد کند. ظرفیت کارخانه در سال ۶۹ به ۱/۳ میلیون تن، در سال ۷۰ به ۱/۹ میلیون تن و در سال ۷۱ بالای ۲ میلیون تن رسیده است. ذوب آهن در سال ۷۰ وارد بازار آزاد آرز شد و با اینکه می‌توانست از دولت ارز رقابتی بگیرد، وارد بازار شد و ۱۴۰ میلیون دلار ارز خریداری کرد، تولید کرد و فروخت. به دنبال آن هزینه تمام شده این کارخانه از ۱۸۰ دلار برای هر تن به ۷۰ دلار رسید و سال آینده به رقم ۶۰ دلار خواهد رسید. جمع هزینه ارزی که ۳۶۰ میلیون دلار بود به ۱۵۰ میلیون دلار رسیده و تولید بالا رفته است. امسال این کارخانه ۴۰۰ میلیون دلار صادرات دارد. ذوب آهن یکی از متورم‌ترین واحدها بوده و ۳۴ الی ۳۵ هزار نفر پرسنل داشته است. این کارخانه تا امروز ۲۳ شرکت در اطراف خود تشکیل داده و بسیاری از کارکنان خود را به این واحدها وارد کرده است. اگر کسی به حقوق‌گیری عادت کرده باشد، باید سیستمی باشد که این مشخص را به آن هدایت کرده و مثلاً به او بگوید تا دو سال به تو کار می‌دهم و نگران نباش تا اینکه این فرد راهش را پیدا کند. این کار در ذوب آهن اثر بسیار خوبی گذاشته است. به طوری که در آنجا در عرض سه سال تعداد ۸ هزار نیروی پرسنلی را بدون هیچ‌گونه گرفتاری آزاد کرده‌اند و هزینه تمام شده را به صورت قابل توجهی پائین آورده‌اند. بنابراین ساختار را از حالت عمودی به حالت افقی درآورده‌اند و پخش کرده‌اند. خیلی کارها که ضرورت نداشت در داخل خود واحد باشد به بیرون منتقل شده و در نتیجه این حرکت، منطبق با سیاست‌های تعدیل اقتصادی است. □

آقای دکتر محمد مهدی بهکیش دارای دکتری اقتصاد از دانشگاه اینهانای آمریکا است. وی در حال حاضر علاوه بر مقام استادی در دانشگاه علامه طباطبائی، مشاور اقتصادی وزیر معادن و فلزات و نیز دبیرکل کمیته ایرانی اطلاق بازرگانی بین‌المللی است.